

## مسئله‌شناسی مهدویت خاصه با رویکرد به اخبار وارده از امام

علی بن ابی طالب<sup>(ع)</sup>

مریم سعیدیان جزی\*

دانشیار معارف اسلامی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۸/۲۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۸/۱۷)

### چکیده

مسئله موعود و تعیین جایگاه آن در موضوع مهدویت، یک سنت الهی است که در آموزه های اسلامی به آن تصریح شده است. در این میان، اخبار و روایات منسوب به امام علی<sup>(ع)</sup> جایگاه ویژه ای دارد. این تحقیق به دنبال پاسخ به این سؤال است که «ضرورت مهدویت و ماهیت آن در اخبار منسوب به امام علی<sup>(ع)</sup> چیست؟». این موضوع به ویژه از آن رو حائز است که به نظر می رسد سیره مهدوی نمونه جامع و آرمانی است که علی<sup>(ع)</sup> برای دستیابی به آن قدم برمی داشت. از این رو، نسبت جدی میان حکومت جهانی مهدوی با سیره امام علی<sup>(ع)</sup> وجود دارد. نتایج حاصل از این تحقیق حاکی از آن است که در اخبار وارده از امام علی<sup>(ع)</sup>، مهدویت از آموزه های وحیانی به شمار می رود که معرفت به آن از وظایف ایمانی انسان دیندار است. مطابق این امر، حضرت مهدی<sup>(عج)</sup> از فرزندان علی<sup>(ع)</sup> و اهل بیت است و به عنوان امام و خلیفه الهی شئون ولایت را داراست. همچنین، مقوله مهدویت در تمام ابعاد آن با مشیت و اراده الهی نسبت مستقیم دارد و مسائلی چون ولادت، غیبت و ظهور امام، انتظار و مانند آن با ربوبیت، علم و قدرت حق تعالی پیوسته است. امام علی<sup>(ع)</sup> با طرح مقوله مهدویت تنها طریق تقرب به خداوند و سعادت را اندیشه توحیدی می داند که ولایت از شروط و ارکان آن به شمار می رود. به همین سبب، همه انسان های موحد و عدالت جو را به تبعیت از الگوی جامع مهدوی دعوت، و مقابله با ادعاهای ناصوبی که از سوی معاندان درباره مقوله موعود و مهدویت خاصه وارد شده است، و وظیفه همگان می داند.

واژگان کلیدی: نص الهی، غیبت، ظهور، انتظار، ولایت، امام علی<sup>(ع)</sup>، امام مهدی<sup>(عج)</sup>.

---

\* E-mail: msaedyan@ltr.ui.ac.ir

## مقدمه

مسئله مهدویت و ظهور امام مهدی<sup>(عج)</sup> از اساسی‌ترین مسائل امروزی بشر است. مقوله موعود و تخصیص آن به مهدویت، سنت دیرین الهی و حقیقت فطری است که ارکان و ابعاد آن در آموزه‌های وحیانی و سلسله معارف اهل بیت<sup>(ع)</sup> بیان شده است. از سوی دیگر، حقیقت این موضوع گروهی از مغرضان و نحله‌های فکری را بر آن داشته است تا با تبلیغات مسموم و سوءاستفاده از فطرت کمال‌گرا و حقیقت‌جوی انسان، آن‌ها را برای مدتی از انتظار واقعی دور، و تابع اهداف دنیوی و منافع شیطانی خود سازند.

موضوع مهدویت در میراث عظیم اهل بیت<sup>(ع)</sup> از ابعاد مختلف، اعم از کمی و کیفی شایسته بررسی است. یکی از وجوه اهمیت این مقوله آن است که فاصله زمانی حیات ایشان تا زمان حیات امام مهدی<sup>(عج)</sup> زیاد است و دیگر اینکه حجم اخباری که در باب این مسئله ارائه شده، حکایت از اهمیت آن در سیره علمی و عملی اهل بیت<sup>(ع)</sup> و تلاش برای نهادینه کردن و بهره‌برداری از این مقوله در جامعه اسلامی بوده تا مسلمانان با این سنت الهی به گونه‌ای صحیح برخورد کنند. در فرایند معارف اهل بیت<sup>(ع)</sup>، هرچه به زمان ولادت امام مهدی<sup>(عج)</sup> نزدیک‌تر می‌شویم، اخبار از نظر ارائه مصادیق جزئی و کمیّت، گستره بیشتری را به خود اختصاص می‌دهند و در این میان، میراث ارزشمندی که از امام علی<sup>(ع)</sup> به جا مانده است، جایگاه ویژه‌ای دارد. موارد شمول احادیث منسوب به امام علی<sup>(ع)</sup> به ابعاد مختلف سیره‌شناسی امام مهدی<sup>(عج)</sup>، اعم از سیره فردی و اجتماعی و حکومتی پرداخته است و پیرامون آن از موضوعاتی چون مشیت الهی، غیبت، انتظار و نقش مردم نیز بحث شده است. به نظر می‌رسد مسئله مهدویت در سیره علمی و عملی امام علی<sup>(ع)</sup> نمونه‌ای جامع و آرمانی است که امام در نظر داشت تا با بهره‌گیری از سنت رسول الله<sup>(ص)</sup>، تعالیم وحیانی و جایگاه الهی امام، هرچه را که ممکن است، در زمان خود محقق گرداند. مصادیق این مدعا، عدالت خواهی، تلاش برای اقامه حاکمیت مطلق الهی و از میان بردن مفاسد و اصلاحات آن حضرت در ابعاد مختلف بود. بر این اساس، می‌توان گفت یک ارتباط دوسویه میان حکومت جهانی مهدوی با سیره امام علی<sup>(ع)</sup> برقرار است و

هر کس می خواهد بداند علی<sup>(ع)</sup> دنبال چه نوع تغییری بود، یا چه اهدافی را در پی داشت و یا اینکه می خواهد بداند حکومت صالحان چگونه خواهد بود، باید سیره امام علی<sup>(ع)</sup> را مطالعه کند.

### ۱. پیشینه پژوهش

در این زمینه، اگرچه کتاب‌ها، مقالات و تحقیقات بسیاری نوشته شده، اما هنوز پرسش‌های بسیاری هست؛ از جمله می‌توان به پژوهش‌های زیر اشاره کرد:

- علی<sup>(ع)</sup> و پایان تاریخ که با رویکردی کلامی-تاریخی به بخش‌هایی از مسائل مهدویت، مانند نیاز به حجت، انقطاع وحی و فلسفه غیبت پرداخته است (ر.ک؛ فلسفیان، ۱۳۸۴).

- مهدویت از دیدگاه نهج البلاغه که روایات شیعه و سنی را آورده است (ر.ک؛ ایمانی، ۱۳۹۳).

- حضرت مهدی در آئینه کلام امام علی<sup>(ع)</sup> که از آغاز تا حکومت حضرت فهرستی خلاصه از روایات را آورده است (ر.ک؛ <https://www.mahdavi.com>: ۲۰۱۷).

- چهل حدیث امام مهدی در کلام امیرالمؤمنین که چهل روایت انتخاب و در قطع کوچک چاپ شده است (ر.ک؛ سیدنژاد، ۱۳۸۶).

- منجی موعود از منظر نهج البلاغه (ر.ک؛ ایرانی، ۱۳۸۶).

- سیمای نورانی امام زمان<sup>(عج)</sup> در قرآن و نهج البلاغه (ر.ک؛ کمساری، ۱۳۸۱).

- امامت در نهج البلاغه (ر.ک؛ شریعتی، ۱۳۳۷).

- «امام مهدی علیه السلام در نهج البلاغه» که به شرح مختصر چند خطبه نهج البلاغه پرداخته است (ر.ک؛ نکوهی، ۲۰۱۷).

- خلاصه رساله «بررسی تطبیقی سیره امام علی<sup>(ع)</sup> و امام مهدی<sup>(عج)</sup> در مواجهه با اهل بغی» (ر.ک؛ همایش بین‌المللی دکترین مهدویت، سایت راسخون: ۱۳۸۷).

- «نقش و جایگاه امیر مؤمنان<sup>(ع)</sup> در تحقق آرمان مهدوی» (ر.ک؛ پهلوان و فروزان مهر، ۱۳۹۲).

- «سیمای حضرت مهدی در آئینه نهج البلاغه» (بی‌نا، ۱۳۸۳).

فهرست برخی از پایان‌نامه‌های حوزوی مرتبط نیز ذکر می‌شود که در سایت انتظار موجود است (بدون ذکر نام و مشخصات: 2017; <http://entezar.ahlolbait.com>):

- امام مهدی<sup>(ع)</sup> و دولت مهدوی از دیدگاه امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup>.

- سیمای حضرت مهدی<sup>(ع)</sup> در قرآن و نهج البلاغه.

- سیمای مهدویت در قرآن و سنت.

- موعود در کلام ائمه تا پایان عصر امام صادق<sup>(ع)</sup>.

علاوه بر این، در آثاری که به قلم نویسندگان مسلمان و مستشرقان به زبان انگلیسی نوشته شده، گاهی مباحثی له یا علیه عقاید اسلامی و شیعی درباره مهدویت آمده‌است و روایاتی از اهل بیت<sup>(ع)</sup> و خاصه علی<sup>(ع)</sup> در آن دیده می‌شود؛ برای نمونه:

Corbin, Henry. (1993). *History of Islamic Philosophy*.

Sachedina, Abdulaziz Abdulhussein. (1981). *Islamic Messianism: The Idea of Mahdī in Twelver Shīsm*.

Najebah Marafi. (2012). *The intertwined conflict*. Amazon.

Harun Yahya & Adnan Oktar English. (2010). *The Prophet Jesus (as) and Hazrat Mahdi will come this century*.

S. Manzoor Rizvi. (2014). *The Sunshine Book. the guide for teena and youth, payame aman*

P. Petrushevsky. (1985). *Islam in Iran*. Albany.

Husein A. Rahim & Ali Mohamedjaffer Sheriff. *Notime: Guidance From Qur'an*.

Jean-Pierre Filiu. (2011). *Apocalypse in Islam*. Uni: California.

Khoja. (1993). *Shia Ithna-asheri Supreme Council*.

این تحقیق بر آن است تا ضمن دسته‌بندی اخبار و روایات منسوب به امام علی<sup>(ع)</sup> و ارائه ساختاری مناسب به آن، به این سؤالات پاسخ دهد:

- ضرورت طرح مهدویت خاصه از سوی امام علی<sup>(ع)</sup> چیست؟

- آن حضرت به کدام یک از ابعاد مهدویت بیشتر توجه داشته است و چگونه آن را بیان کرده است؟

- این همانی اخبار وارده از امام علی<sup>(ع)</sup> با رسول‌الله<sup>(ع)</sup> و سایر اهل بیت<sup>(ع)</sup> تا چه حد است؟

- مبانی قرآنی و عقلی اخبار امام علی<sup>(ع)</sup> کدام است؟

- چه نسبتی میان مسئله مهدویت با اصول عقاید و حیات مؤمنانه وجود دارد؟

- چه نسبتی میان اخبار وارده از آن حضرت با شرایط و مقتضیات عصر امام علی<sup>(ع)</sup> وجود دارد؟

- تا چه حد امکان ارتقای سطح معرفت ایمانی و اصلاح اجتماعی با استفاده از الگوی جامع مهدوی در زمان حیات امام علی<sup>(ع)</sup> وجود داشت؟

می‌توان گفت امام با طرح مسئله مهدویت بسیاری از معارف دینی و آموزه‌های وحیانی را تبیین، و الهی بودن مقام امام و اطلاق اطاعت از وی را اثبات، و ارتباط مستقیم میان تقرب به حق و اطاعت و تبعیت از ولی الهی را بر اساس اصل مهدویت تشریح می‌کند. همچنین، با تصریح بر مشیت و حکمت الهی، جایگاه خاص مهدویت خاصه را نسبت به دیگران معلوم می‌کند و با تأکید بر انتظار فرج و انجام وظایف ایمانی، غیبت امام و شرایط خاص دوران امام مهدی<sup>(عج)</sup> را فرصت و امتحانی بزرگ برای سعادت و تقرب به خداوند و کمال می‌داند. همچنین، با ترسیم ظهور و حاکمیت جهانی مهدوی، الگوی

مطلوب را برای جامعه اسلامی در راستای حل مسائل موجود و حرکت برای پیشرفت و تعالی ارائه می‌دهد. بر این اساس، مهدویت در سیره امام علی<sup>(ع)</sup> به سان سندی الهی جامع و قطعی برای خروج جامعه اسلامی از شرایط بحرانی پس از رسول الله<sup>(ص)</sup> و منطبق با رسالت الهی امام به منظور اصلاح امور و پیشبرد اهداف متعالی او بود. این تحقیق بسیاری از اشکالاتی که از سوی کج‌اندیشان، دگراندیشان و ملحدان مطرح شده است، بر طرف می‌کند و بسیاری از زوایای موجود در مهدویت را بر اساس اخبار اهل بیت<sup>(ع)</sup> روشن می‌نماید. در ادامه به تشریح مباحث و مسائلی که تحقیق بر آن استوار است، پرداخته می‌شود.

## ۲. مشیت الهی در مسئله مهدویت و اثبات الهی بودن مقام امام

امام علی<sup>(ع)</sup> امامت را مایه «نظام امت» می‌داند (ر.ک؛ تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق: ش ۱۰۹۵)، شماره ۱۰۹۵ و در راستای بیان صفات ائمه، آنان را همچون ستارگانی می‌داند که یکی بعد از دیگری طلوع می‌کنند (ر.ک؛ شریف الرضی، ۱۳۸۱: ۱۸۷-۱۸۶) و وجودشان مأمن و منزل فراز و فرود قضا و قدر الهی (شب قدر) است (ر.ک؛ ابن بابویه، ۱۴۱۶ق، ج ۱: ۵۶۶-۵۶۵). امامت آنان امری همگانی، دائمی و مخصوص مکان و زمان خاص نیست. ائمه جانشین پیامبر در گرفتن امر الهی در ایام خاص و برای تمام بشریت هستند. لذا چون تا انسان هست و سرنوشتش را معین می‌کنند، باید به زمین برسد و کسی باشد که این پیام‌ها را دریافت کند. در این زمینه امام می‌فرماید: «وجود امام تا زمانی که انسان در این دنیا زندگی می‌کند، مستدام خواهد بود و این اراده و سنت الهی است. امام علی<sup>(ع)</sup> وجود دو امام (ولی الله) را در یک زمان محال می‌داند و به شیوه نقلی ثابت می‌کند که سلسله امامت الزاماً در دوازده امام از خاندان حضرت محمد<sup>(ص)</sup> باشند. همچنین، این دلیل در ردّ کسانی است که ادعا می‌کنند چه لزومی دارد که امام مهدی<sup>(ع)</sup> قبل از اینکه دوران ظهورش فرا برسد، به دنیا بیاید و میان ایشان و ائمه پیشین فاصله افتد (ر.ک؛ تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق: ش ۱۰۹۵).

### – ضرورت عقلی

یکی از لوازم وجود یک پدیده در نظام خلقت، اثبات فلسفه وجودی آن شیء است. بحث مهدویت به عنوان یکی از مهم‌ترین مباحث سرنوشت‌ساز تاریخ بشری، به دلیل شرایط و امکانات ویژه، نیازمند اثبات عقلی و نقلی است. بر این اساس، امام علی<sup>(ع)</sup> بارها و به گونه‌های مختلف در صدد اثبات مسئله مهدویت، بیان شرایط و صفات شخصی امام و فواید این سنت الهی بوده است.

### – سنت الهی

یکی از فلسفه‌های وجود مهدویت، اتمام محبت الهی در مجموعه هستی، کمال انسان و تحقق وعده‌های الهی است که امام بر آن تأکید می‌کند (ر.ک؛ متقی الهندی، ۱۴۰۱ق: ۳۴۲۰۸؛ ح ۱۱۶۶). این مقوله با آیات شریفه و تأویل آن از جانب اهل بیت<sup>(ع)</sup> که مصداق بارز آن را وجود حضرت مهدی می‌دانند، منطبق است؛ چنان که می‌فرماید: «گویا می‌بینم در پرتو خاندان پیامبر<sup>(ص)</sup> نعمت‌های خدا بر شما تمام شد و به آنچه آرزو دارید، رسیده‌اید» (ر.ک؛ شریف الرضی، ۱۳۸۱: ۸۷-۱۸۶). با انطباق این روایت با سلسله معارف اهل بیت<sup>(ع)</sup> و ضرورت‌های عقلی چون انتظار بشر از خلقت، رسالت دین و قرآن در نظام هستی و هدفداری خلقت می‌توان گفت کمال هستی در پرتو تبعیت از خاندان عصمت و طهارت است؛ چنان که در آیه شریفه آمده است: ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾ (المائدة/۳). اهل بیت<sup>(ع)</sup> واسطه فیض الهی و شروط لازم و علل کامله تحقق مطلوب الهی خواهند بود. این روایت در حقیقت جوایبه‌ای است بر شبهه کسانی که می‌گویند چه لزومی داشت که امام در هزاروآندی سال پیش به دنیا بیاید، آنگاه غیبت کند و پس از مدتی ظاهر شود و مردم را راهنمایی نماید؛ به عبارت دیگر، هرگاه ضرورت وجود امام احساس شد، مشیت الهی بر این قرار گیرد تا امام متولد گردد. در ردّ مقوله مذکور و تبیین این مسئله باید گفت آنچه از این مقوله دریافت می‌شود آن است که امام عسکری<sup>(ع)</sup> تا چندین سال باید زنده می‌ماند، یا اینکه

تولد امام غیر از قانون طبیعت و همانند تولد حضرت عیسی<sup>(ع)</sup> می‌بود که لازمه این امر هم آن بود که مادر امام تا تولد آن حضرت زنده باشند یا بمیرد و دوباره زنده شود که البته این امور اگرچه ممکن و از ید قدرت الهی خارج نیست، اما مشیت الهی نبوده‌است. از این منظر، جایگاه امام در نظام هستی فقط منحصر در هدایت بشر نیست و وجود او مایه نظام هستی و تحقق اراده الهی و ضرورت خلقت می‌باشد.

### - حجت الهی

حضرت در جواب این سؤال که چرا امام مثل بقیه آشکار نیست و بسیاری دیگر از چراها، یکی دیگر از فلسفه‌های وجود ایشان را چنین تشریح می‌نماید:

«زمین هیچ گاه از حجت خدا خالی نیست که برای خدا با برهان آشکار قیام کند، یا آشکار و شناخته شده یا پنهان و پنهان، تا حجت خدا باطل نشود و نشانه‌هایش از میان نرود... تعدادشان اندک، ولی نزد خدا بزرگ‌مقدارند که خدا به وسیله آنان حجت‌ها و نشانه‌هایش را نگاه می‌دارد تا به کسانی که همانندشان هستند، بسپارد و در دل‌های آنان بکارد» (ر.ک؛ شریف الرضی، ۱۳۸۱: ۶۶۰-۶۶۱؛ ابن بابویه، ۱۴۱۶ق.، ج ۱: ۵۶۲).

یکی از مهم‌ترین فلسفه‌های وجود مهدویت، بیان فلسفه خلقت بشر است. خداوند بشر را بیهوده نیافریده‌است. لذا امام وجود حضرت مهدی را باقی مانده حجت‌های الهی و جانشینی از جانشینان پیامبران معرفی می‌کند (ر.ک؛ شریف الرضی، ۱۳۸۱: ۱۵۵-۱۵۶). از این رو، هر آنچه مشیت الهی از ارسال انبیاء و خلقت بشر و غیره بود، همگی با وجود حضرت مهدی<sup>(عج)</sup> محقق می‌شود.

### - کمال و هدایت مخلوقات

امام صادق<sup>(ع)</sup> به نقل از اجداد خود از علی<sup>(ع)</sup> می‌فرماید: «امام حجت خدا بر خلایق است تا ایشان را به دین خدا هدایت کند و علم او را به آن‌ها بیاموزد تا حجت خدا باطل



نشود و پیروان اولیای الهی پس از هدایت گمراه نشوند و غیبت او تزلزلی در قلوب مؤمنان ایجاد نمی‌کند» (ر.ک؛ ابن بابویه، ۱۴۱۶ق.، ج ۱: ۵۶۲). علاوه بر این، وجود امام و ظهور آن حضرت از پرده غیبت سرآغاز نزول برکات الهی بر مخلوقات است. کشف حقایق، غنای مادی و رونق و برکت محصولات کشاورزی و دستاوردهای فرهنگی و تمدنی از مصادیق بارز این مقوله است که در اخبار موجود به آن تصریح شده است (ر.ک؛ همان: ۵۳۸).

### – تدبیر الهی

امام جوادی<sup>(ع)</sup> در روایتی دیگر به نقل از امیرالمؤمنین دلیل وجود ولی الهی در زمان، به ویژه در دوران غیبت را تکرار شب قدر در هر سال و نزول مقدرات بر ولی خداوند می‌داند (ر.ک؛ همان: ۵۶۵-۵۶۶).

### – بقیة الله

یکی دیگر از وجوه اهمیت مهدویت از منظر امام علی<sup>(ع)</sup> آن است که ایشان پایان بخش نظام امامت است (ر.ک؛ متقی الهندی، ۱۴۰۱ق.:: ۳۴۲۰۸؛ ح ۱۱۶۶). با وجود مهدویت، تمام آنچه فلسفه خلقت و ارسال انبیاء و اوصیاء بوده، محقق می‌شود. بنابراین، بر اساس اخبار روایات تشکیل حکومت جهانی عدل الهی، مجازات معاندان و کافران و نیز بشارت به مؤمنان و صالحان و مواردی دیگر از این قبیل تنها و تنها به وسیله حضرت مهدی<sup>(عج)</sup> انجام خواهد گرفت. امام منجی خواهد بود، همان طوری که امیرالمؤمنین به آن پرداخته است و آن را از علل وجوب مهدی دانسته است (ر.ک؛ همان). او منجی ستمدیدگان و حقیقت الهی است که به واسطه باطل مورد غفلت قرار گرفته است. بنابراین، ظهور ایشان فرج است و توصیه شده «برای فرج ما دعا کنید که فرج شما در فرج امر ماست» (ر.ک؛ صافی گلپایگانی، ۱۳۷۳ق.:: ۲۷۰).

## – کمال حقیقی

سنت الهی بر وحدت و کمال است. بر این اساس، آنچه به واسطه منفعت طلبی و برتری جویی بشر، مایه اختلاف امت‌ها می‌شود، باید از میان برداشته شود و استعدادهای عالم بر اساس جهان بینی توحیدی (اسلام) به سوی هدف نهایی خلقت جهت دهی گردد و لازمه این امر اتحاد است که فلسفه حکومت جهانی مهدوی بر این اساس است. یکی از مهم ترین مسائلی که همواره بشریت از آن رنج برده، وجود ظلم و ستم بوده است. دلایل این امر متعدد است که از آن جمله می‌توان به نقص معرفت و غوطه‌ور شدن انسان در هواهای نفسانی، نبود تقوای جمعی- انسانی و وجود شیاطین جن و انس اشاره کرد. بنابراین، اعتقاد به ظهور یک منجی، اعتقاد به پایان ظلم است. امام علی<sup>(ع)</sup> یکی از رهاوردهای اعتقاد به مهدویت را چنین بیان می‌کند: «او زمین را پر از عدل و داد می‌کند، همان طوری که پُر از ظلم و جور شده است» (مطهری، ۱۳۶۷: ۲۷۵). مهم ترین اصلی که تعالیم و حیانی و منتظران بر آن تأکید می‌ورزند، این است. البته این به آن معنا نیست که ظلم مطلق بر جهان حاکم شود، بلکه منظور این است که ظلم و جور بر عدل و داد غلبه پیدا کند. همان طور که در زمان حکومت الهی امام نیز ظلم هست، ولی به علت مدیریت امام و برنامه‌ریزی‌های عالی و کارگزاران نخبه ایشان کسی جرأت ستم و بیداد ندارد. مصداق این مدعا هم شهادت امام مهدی<sup>(عج)</sup> و اجداد ایشان بوده است.

### ۳. تطابق مهدویت خاصه در وجود حضرت مهدی<sup>(عج)</sup>

به مجموعه رفتار، اقوال، نگرش‌ها و شیوه زندگی که با توجه به مقتضیات زمان و مکان و در عین مطابقت با شریعت، سنت و قرآن در یک امام تعیین یافته است، «سیره» گفته می‌شود (ر.ک؛ رشاد، ۱۳۸۵، ج ۱: ۲۵). در این زمینه، امام علی<sup>(ع)</sup> ابعاد وجودی مهدویت نوعی را که برگرفته از نصوص وارده از رسول الله<sup>(ص)</sup>، احادیث قدسی و اخبار و حیانی است، بیان می‌کند. هدف از این بحث، تبیین مصداق عینی مهدویت در سیره علمی امام علی<sup>(ع)</sup> است.

### ۱-۳. سیرت فردی

شناخت ویژگی‌های فردی اعم از حسب، نسب، چهره و برخی دیگر از صفاتی که به خَلق و خُلُق فردی برمی‌گردد، یکی از ارکان و مبادی معرفت‌شناسی نسبت به وجود امام مهدی (عج) و تفاوت آن حضرت با دیگران است. این مقوله مورد تأکید و توجه امام علی (ع) هم قرار گرفته است.

#### - حسب و نسب

امام علی (ع) حضرت مهدی را از نسل رسول الله (ص) معرفی می‌کند (ر.ک؛ شریف الرضی، ۱۳۸۱: ۱۸۶-۱۸۷) که از یک سو، با خاندان رسالت و انبیای الهی پیشین مرتبط می‌شود و از سوی دیگر، منحصر در قبیله بنی‌هاشم است. سپس وجود امام را حصر نموده، ایشان را از وجود بنت‌الرسول (ع) (ر.ک؛ متقی‌الهندی، ۱۴۰۱ق.:: ۳۴۲۰۸؛ ح ۱۱۶۵) یازدهمین فرزند خویش (ر.ک؛ ابن‌بابویه، ۱۴۱۶ق.، ج ۱: ۵۳۸) و نهمین فرزند امام حسین (ع) معرفی می‌کند (ر.ک؛ همان: ۵۶۴-۵۶۵) و می‌فرماید: «لا تذهب الدنیا حتی یقوم عَلَی أُمَّتِی رَجُلٌ مِّنْ وَكَلَدِ الْحُسَيْنِ...» (ر.ک؛ قندوزی، ۱۳۸۵ق.:: ۲۵۸). همچنین، فرمود: «مَنَّا المهدی یسری فی الدنیا بسراج منّی» (مطهری، ۱۳۶۷: ۲۷۵).

#### - ولادت

مخفی بودن زمان و مکان تولد مهدی (عج) همواره به عنوان یکی از وجوه تفاوت آن حضرت با دیگر معصومان بوده است. سابقه این موضوع علاوه بر سنت الهی درباره انبیای پیشین، در اخبار وارده از امام علی (ع) هم تصریح شده است. امام علی (ع) هم تأکید می‌نماید که ولادت مهدی (عج) پنهانی خواهد بود (ر.ک؛ ابن‌بابویه، ۱۴۱۶ق.، ج ۱: ۵۶۳-۵۶۴) درک این حقیقت و فهم چرایی و چگونگی آن امری است که پیشوایان معصوم دیگر به آن پرداخته‌اند.

## - نام و لقب

این مقوله همواره در کلام رسول‌الله<sup>(ص)</sup>، احادیث قدسی و نیز معارف اهل بیت<sup>(ع)</sup> از منابع عامه و خاصه آمده است و بدان تصریح شده است. در اخبار وارده از علی<sup>(ع)</sup>، بیشتر بر القاب مهدی تأکید شده که مهم‌ترین آن‌ها همین لقب «مهدی» است (ر.ک؛ همان: ۵۲۸)؛ گویی در این میان دو مسئله مهم بوده است: اول، لزوم حفاظت و صیانت از حریم معارف الهی در میان نامحرمان و دوم، ارتباط مردم با مقام الهی و سیرت امام مهدی<sup>(عج)</sup>. امام علی<sup>(ع)</sup> در پاسخ فردی که از ایشان درباره نام آن حضرت سؤال کرد، فرمود: مردم به او می‌گویند: «السلام علیک یا بقیة الله»<sup>۳</sup>.

این القاب آن هنگام که درباره امام مهدی به کار می‌رود، ناظر بر سیرت فردی، عبادی، اجتماعی و اصلاحی امام و نیز در بر دارنده جایگاه و رسالت آن حضرت در نظام هستی است. القابی چون طرید (رانده)، شرید (آواره)، فرید (تک)، وحید (تنها) (ر.ک؛ همان: ۵۶۳) به نقل از اصبح بن نباته که امام علی<sup>(ع)</sup> برای فرزند خویش بیان کرده، مرتبط با بخشی از حیات امام در دوران غیبت است. در حقیقت، شرایط زمان و مکان، لزوم اختصاص این القاب را برای شناخت حالات امام عصر و نیز اتصال و معرفت بیشتر منتظران ایجاد کرده است. از این مقوله نکته مهم دیگری که دریافت می‌شود، این است که غوطه‌ور شدن مردم در امور دنیوی و تسامح و غفلت از تبعیت از شریعت و سنت، آن‌ها را در مصائب دنیا گرفتار کرده، از حقیقت خلقت و حیات طیبه دور می‌کند. البته این غفلت نسبتاً مهم‌تر با غافل شدن از امام مهدی<sup>(عج)</sup>، عصیان و عدم تبعیت کامل از سیره آن حضرت همراه خواهد بود و گاه کار به جایی می‌رسد که گروهی برای کسب جاه و مقام آن حضرت را انکار کرده است و یا به دروغ ادعای ارتباط با امام می‌کنند. لذا یکی از دلایل غیبت امام و اختصاص این القاب به آن حضرت خود مردم هستند (ر.ک؛ شریف الرضی، ۱۳۸۱: ۶۸۶-۶۸۷).

### ۲-۳. سیرت علمی، عبادی، اخلاقی

امام علی<sup>(ع)</sup> یکی از ابعاد سیره امام مهدی را برخوردارگی وسیع و کامل از علم و دانش می‌داند و آن را به زره (روپوشی) تشبیه می‌کنند که خصوصیت عمده آن ضد ضربه بودن آن است. علی<sup>(ع)</sup> در تفسیر چرایی فراوانی علم مهدی، برخوردارگی آن حضرت از نعمت توجه و معرفت و عطش ایشان برای دانش و حکمت را مبنا قرار می‌دهد. آن حضرت دانش را گمشده مهدی می‌داند که همواره در جستجوی آن است و برای رسیدن به آن سؤال می‌کند (همان: ۳۴۹-۳۵۰).

اسلام توجه زیادی به علم و حکمت کرده است. تحقیق، هجرت، پرسیدن، مراجعه به اهل و انگیزه الهی در کسب معارف از نمونه‌های شاخص تحقق این مهم در مکتب اسلام است. آنچه در روایت پیشین نیز در زمره سیره علمی امام مهدی و یکی از عوامل پیروزی و غلبه آن حضرت تأکید و توصیف شده است. در تعالیم و حیانی نیز این مهم با تعابیر مختلفی تأکید شده است و خداوند راه هدایت مردم و ابلاغ دعوت الهی را با بیدارسازی قدرت آگاهی و بصیرت مردم پیوند می‌دهد؛ چنان که می‌فرماید: ﴿أُدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾ (النحل / ۱۲۵). تعبیر ضد ضربه برای علم امام مهدی<sup>(عج)</sup> از این نظر می‌تواند بررسی شود که کلامی برگرفته از علم غیب الهی و متصل به حقیقت محض است و نسبت اساسی با عقل، منطق و فطرت دارد. لذا بیشتر از وسایل جنگی و ابزار مرسوم نظامی کارآیی دارد و اهمیت این مقوله امروزه در موضوعاتی چون ناتوی فرهنگی، جنگ نرم و سبک زندگی کاملاً مشهود است.

مسائل مبتلابه جامعه امروز بشری و جهانی خود به این امر معترف است که علم نسبی و خطاپذیر بشر قادر به تأمین نیازهای همه جانبه بشر و تحقق تمدن مطلوب و برخوردار از رشد حقیقی نیست. لذا در این دوران بیش از همه، لزوم رجوع به تعالیم و حیانی و معارف اهل بیت<sup>(ع)</sup> احساس می‌گردد. مصداق این مدعا ناتوانی انسان در برپا کردن حق و عدالت است. در این زمینه، امام علی<sup>(ع)</sup> با بیان سه مسئله برداشتن حق، آشکار کردن دین و گسترده عدالت، آن را از ویژگی‌های بارز و مشخص حکومت جهانی مهدوی می‌داند؛

چنان که می‌فرماید: «أَلَمْ مَهْدَى مَنَا يَخْتَم الدِّينَ بِنَا كَمَا فَتَحَ» (ابن حجر هیتمی، ۱۳۰۷ق.:. ۲۳۵).

یکی دیگر از وجوه سیره علمی امام مهدی<sup>(ع)</sup> بهره‌برداری وسیع، کامل و صحیح از ظرفیت احادیث به عنوان دستورالعمل الهی برای پیاده کردن احکام الهی و ظهور کامل عبودیت انسان در برابر خداست. امام علی<sup>(ع)</sup> فرزندش را «محدث» معرفی می‌کند (ر.ک؛ ابن بابویه، ۱۴۱۶ق.، ج ۱: ۵۶۵-۵۶۶).

خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾ (الأحزاب/ ۲۱). امامان نیز به عنوان جانشینان برحق پیامبر<sup>(ص)</sup>، تجسم عینی و حقیقی عبودیت و بندگی در برابر خداوند متعال هستند. در این راستا، امام علی<sup>(ع)</sup> صفات ائمه و انسان‌های الهی را چنین بیان می‌کند: «از هیچ سرزنی نمی‌ترسند، شب‌زنده‌داران و روشنی‌بخش روزند، به دامن قرآن پناه می‌برند، دوستان خدا و رسولش را زنده می‌کنند، تکبر و خودپسندی ندارند، بر کسی برتری نمی‌جویند، خیانتکار نیستند و در زمین فساد نمی‌کنند، قلب‌هایشان در بهشت و پیکرهایشان سرگرم اعمال پسندیده است و این در حقیقت، ایمان، یعنی اطاعت از خدا و رسول او و اولی الامر است که ائمه به نحو احسن در برابر خالق، نبی و ائمه پیش از خود داشتند» (شریف الرضی، ۱۳۸۱: ۴۰۱).

از این رو، امام مظهر تمام فضایل اخلاقی است؛ چنان که امیرالمؤمنین می‌فرماید: «در معونت ما به اشتباه نیفتید. ما را به جای خدا قرار ندهید. ما بنده خدا و دل‌هایمان محل خواست خداست. هرگاه او بخواهد، ما هم همان زمان و همان را می‌خواهیم» (همان: ۴۰۱). در این مقوله، برخی از شاخصه‌های امام که حضرت ولی عصر از مصادیق بارز آن هستند، آمده‌است.

#### ۴. جایگاه غیبت در مهدویت

امیرالمؤمنین امام مهدی<sup>(ع)</sup> را در زمرة حجت‌های مستور الهی معرفی می‌کند که دور ماندن ایشان از مناظر مردم، از جمله مختصات آن حضرت است (ر.ک؛ همان: ۲۷۵). این

غیبت در عین حال که طولانی است، زمینه درک مستقیم امام را از عموم جامعه سلب می‌نماید (ر.ک؛ ابن بابویه، ۱۴۱۶ق، ج ۱: ۵۳۸). در این باره امام، اثبات و ضرورت غیبت را با ذکر فواید و آثار آن بیان کرده که عبارتند از:

### - مشیت الهی

همان طوری که تعیین امام در اراده و امر الهی بوده، شرایط مهدویت نیز بسته به مشیت اوست. چنان که امام می‌فرماید: «پس از او چندان که خدا می‌خواهد زندگانی می‌گذرانید» (ر.ک؛ مجلسی، ۱۹۸۳م، ج ۵۲: ۱۳۷).

### - ابتلا و آزمایش انسان

علی<sup>(ع)</sup> می‌فرماید: «در زمان غیبت، اقوامی گمراه می‌شوند و اقوامی دیگر در آن هدایت می‌یابند» (ر.ک؛ ابن بابویه، ۱۴۱۶ق، ج ۱: ۵۶۱-۵۶۳) و نیز فرمود: «این غیبت نوعی آزمایش است تا جایی که آن‌ها که ایمان آنان ضعیف‌تر است، به (نادانان) می‌گویند خداوند را در آل محمد حاجتی نیست» (ر.ک؛ شریف الرضی، ۱۳۸۱: ۲۷۵ به بعد). زندگی حضرت در این دوران به دور از مردم است و این خود امری الهی و امتحانی دیگر است. در این امتحان، درجه ایمان و بهره‌وری از عقل، صبر و تبعیت از دستور خداوند و امر ولایت مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و کسانی که قصد نفاق و کفر دارند، مردم را فریب داده، مرعوب خود می‌نمایند. در این شرایط است که گروهی امام را فراموش کرده، برای کسب منافع بیشتر دنیوی دست به هرکاری می‌زنند که نتیجه آن، تفرق، اختلاف و بحران‌های مهمی است که انسان‌ها را نشانه رفته است. امیرالمؤمنین می‌فرماید: «در آن هنگام که اسلام غروب می‌کند و چونان شتری درراه مانده دُم خود را به حرکت درآورده، گردن به زمین می‌چسباند» (ضرب‌المثل است، چون شتر خسته شود، دُم خود را به حرکت درمی‌آورد و گردن به زمین می‌چسباند، که نشانه ضعف و درماندگی اوست) (ر.ک؛ همان: ۱۸۵-۱۸۶؛ ترجمه استادولی: خ ۱۸۲). در این صورت،

می‌توان گفت یکی از آثار وضعی گناهان این است که خداوند تا زمانی که اراده کند، مردم را از دیدار مستقیم ولیّ خود محروم نماید و این امر بالطبع نیست؛ چنان که علی<sup>(ع)</sup> فرمود: «اگر [جامعه] ساربان می‌داشت، این چنین مفلوک و درمانده نبود» (همان).

### – اهمیت درک و حضور امام در عصر غیبت

در دوران غیبت، امام در بین مردم حضور دارد، ولی «اثرشناسان اثر قدمش را نمی‌شناسند، گرچه در یافتن اثر و نشانه‌ها تلاش فراوان کنند» (ابن بابویه، ۱۴۱۶ق، ج ۱: ۵۶۳-۵۶۴). و نیز فرمود: «شیعه در غیبت وی مانند گله‌گوسفند به دنبال چوپان خود هستند و او را نمی‌یابند» (شریف الرضی، ۱۳۸۱: ۳۴۹-۳۵۰). به نظر می‌رسد علت آنکه شیعه را به گوسفند تشبیه کرده، مظلومیت و اثربخشی این موجود باشد. نیز شیعیان می‌دانند برای نجات و رهایی نیازمند کسی هستند که آگاه است و راه چاره را می‌داند. اوست که می‌تواند آن‌ها را به محل امن برساند و از شرّ و بلا حفظ کند.

### ۵. چالش انسان و جهان در عصر غیبت

امام در موارد متعددی چالش‌های انسان و جهان در عصر غیبت را که بعضاً به دوران آخرالزمان شهرت یافته‌است، بیان می‌کند. برخی از مختصات این دوران عبارتند از:

#### – عدول از شریعت (قرآن و سنت)

در این دوران، مؤمن بودن سخت و بهره‌مندی از تعالیم و حیانی نیز متناسب با انگیزه‌های هر فرد متفاوت خواهد بود؛ چنان که گروهی از سر تقدس‌مآبی و خودخواهی ادعا می‌کنند که مردم را به سوی هدایت رهنمون می‌شوند. اما ادعای کذب آن‌ها وقتی برملا می‌شود که آشکار می‌گردد کتاب و سنت میرانده شده‌است (ر.ک؛ مجلسی، بی‌تا: ۱۰۰۸)؛ چراکه این گونه افراد هر آنچه از کتاب و سنت که مطابق امیال و خواسته‌هایشان باشد، بیان می‌کنند و از آنچه غیر از این است، غفلت کرده، فراموش می‌شود (ر.ک؛



مجلسی، ۱۹۸۳ م، ج ۵۲: ۸۹۳ و ۱۲۹). برخی از مصادیق این امر که امام نیز بر آن تصریح نموده است، عبارتند از: «مردم نماز را می میرانند»، «دین را به دنیا می فروشند»، «قرآن‌ها اسباب زینت، مساجد نقاشی و پیمان‌ها نقض می شود» (ر.ک؛ مجلسی، بی تا: ۹۶۴-۹۶۵).

### – تفرقه و اختلاف

علی<sup>(ع)</sup> مردم عصر غیبت را از نظر اعتقادی و رفتاری به دو دسته کلی تقسیم نموده است: گروهی که اهل فرح و شادی هستند و گروهی که افسرده و نگرانند. سپس به بیان ویژگی‌های منتظران پرداخته است و آن را در دو گروه اصلی قرار می دهد و با ذکر صفت ایمان، منتظران واقعی را از گروه دیگر مجزا می نماید. آن حضرت می فرماید: «پس از غیبت حضرت، مردم دو گروه می شوند: گروهی شاداب و گروهی افسرده می شوند. منتظران هم دو گروه می شوند: گروهی در اثر تعجیل و افراط نابود شده، از هم فرومی پاشند و تنها مؤمنانی باقی می مانند که اندک‌اند» (ر.ک؛ شریف الرضی، ۱۳۸۱: ۲۷۵ به بعد).

### – غلبه باطل و رواج فساد

تفرقه مردم و عدول از شریعت الهی، جامعه را با جاهلیت نوینی مواجه می سازد که خود نقش اساسی در گسترش مصائب و سختی‌های زندگی دارد. بر این اساس و مطابق با کلام امام، دوران غیبت عرصه جولان گروهی از اهل فساد و انحراف است. مصداق بارز این افراد کسانی هستند که پس از رحلت پیامبر<sup>(ص)</sup> به گذشته جاهلی خود بازگشته، با پیمودن راه‌های گوناگون به گمراهی رسیدند. این گروه به تدریج از مؤمنان جدا شده، با احیای سنت‌های جاهلی درصدد از بین بردن حضور دین در جامعه هستند. این گروه نه تنها خود را در ورطه هلاکت کشاندند و ریشه‌های خطا و گناه را بنیان نهادند، باعث جذب هر فتنه جویی شده، او را امان دادند. در نتیجه، سردرگمی و حیرت فراگیر شد و

جوامع به حکومت‌های استبدادی گرایش یافتند. همچنین، مردم از هم‌گریزان شده، دل به دنیا بستند و دین را از زندگی خود دور کردند (ر.ک؛ همان).

یکی از نتایج تغافل و منفعت‌طلبی افراد این می‌شود که حکومت‌های مستبد بر سر کار می‌آیند که به دنبال ضربه زدن به مبانی توحیدی و شرایع الهی هستند. در این نظام‌ها، کارگزاران، خزانه‌داران و مدیران امور مالی همواره ضعیف، اهل خیانت و ریاکارند (ر.ک؛ همان). زمانی که حاکمان نادرست، مردم غافل و تفرقه وجود دارد، گروهی از مردم به طمع کسب منفعت و پول خود را در ورطه تجارت می‌اندازند، اما به علت ناآشنایی و انحصارگرایی در تأمین منافع شخصی گرفتار محدودنگری در تجارت می‌شوند، یعنی فقط نفع خود را می‌بینند. در نتیجه، سودی که از کارشان حاصل می‌شود، بسیار کم است. از سویی، مردم در رفاه اقتصادی غوطه‌ورند و اموال خود را ذخیره کرده‌اند و ثروت‌های آنان را کد است. همین مادی‌گرایی مانع از این می‌شود که به حدود و احکام دینی توجه کنند و خود را ملزم به انجام تکالیف دینی خود در زکات، صدقه، خمس و امثال آن بدانند. از این رو، نگاه آنان به فقرا و مستمندان مانند حساب و کتاب مادی است. کالا یا پولی که برای همگان شبهه‌ناک است. علاوه، مأموران مالی خود را محق بهره‌مندی بیشتری از بیت‌المال می‌دانند (ر.ک؛ همان: ۲۷۵ به بعد و ۳۴۹). معیشت و کسب روزی در این دوران چنان سخت می‌شود که امام می‌فرماید: «به قدری مشاغل و درآمدها شبهه‌ناک است که برای مؤمن ضربات شمشیر آسان‌تر از یافتن مال حلال است» (ر.ک؛ نعمانی، ۱۳۶۳: ۴۱۱ و ۲۹).

### – گسترش ناهنجاری‌های اجتماعی و اخلاقی

از دیدگاه امیرالمؤمنین، ناآگاهی مردم از حکمت امور، ضعف ایمان و انکار سنت‌های الهی، آن‌ها را در درک حقایق و حکمت امور ناتوان می‌سازد و همین امر سبب گرایش آن‌ها به کفر و فساد، یأس از رحمت خدا، عدم پابندی به گزاره‌های اخلاقی و درگیری با یکدیگر می‌شود (ر.ک؛ مجلسی، بی تا: ۱۰۰۸). از سوی دیگر، سنت‌های نابجا

و انحرافات اجتماعی و بی توجهی و غفلت جامعه از انجام امور نیک در جامعه گسترش می‌یابد (ر.ک؛ شریف الرضی، ۱۳۸۱: ۳۴۹). این مقوله از یک سو به سبب تبلیغات سوء و مسموم و از سوی دیگر به سبب نداشتن ایمان و یا ناتوانی بشر در حل مشکلات خود است. یکی از پیامدهای این امر که یکی از مصادیق آن بی رغبتی جوانان به ازدواج و تشکیل خانواده و در نتیجه، بالا رفتن سن ازدواج و گرایش جوانان به فساد اخلاقی، انحرافات فکری، مشکلات روانی خواهد بود (ر.ک؛ همان: ۲۷۵ به بعد). قطع رحم، نسیان گذشته، رواج سوگند و دروغ از دیگر نشانه‌هایی است که امام به آن‌ها اشاره می‌کند (ر.ک؛ نعمانی، ۱۳۶۳: ۴۱۱ و ۲۹). از جمله مصادیق این انحرافات که امام بر آن تصریح می‌نماید، عبارت است از:

«مردم امانت را ضایع می‌کنند، دروغ گفتن را حلال می‌شمارند، ربا می‌خورند، رشوه می‌گیرند... پیوند خویشان را پاره می‌کنند، هواپرستی را پیشه می‌کنند، خون یکدیگر را بی‌ارزش می‌کنند، حلم و بردباری را نشانه ضعف، و ظلم و ستم را باعث فخر و مباهات خود می‌دانند، شهادت‌های باطل آشکار، عمال باطل، گفتارها بهتان آمیز و طغیان و تجاوز علنی می‌شود... بزرگ قوم رذل‌ترین آن‌هاست» (مجلسی، بی تا: ۹۶۴-۹۶۵).

### – وفور بلا یا و مصائب

لابالی‌گری و اصرار بر انجام گناه و خطا، انحراف انسان از مدار هستی و غفلت از حق آثار وضعی بسیاری دارد که از آن جمله می‌توان به قحطی، قتل، فساد و مواردی از این قبیل اشاره کرد. امیرالمؤمنین درباره این شرایط سخت می‌فرماید: «دوران آخر الزمان چنان بر مردم سخت می‌گردد... در این روزگار رنج و اندوه چقدر طولانی و امید گشایش چقدر دور است» (همان).

## ۶. جایگاه سنت الهی انتظار در مهدویت

انتظار به معنی یقین نسبت به قدرت، حکمت و مصلحت الهی و اجرای هر آن چیزی است که خداوند آن را نوید یا بیم می‌دهد؛ چنان‌که شهید مطهری از انتظار، به «ایمان در سطح عالی» تعبیر کرده‌اند (ر.ک؛ مطهری، ۱۳۶۷: ۲۷۵). بحث انتظار یکی از مهم‌ترین موضوعاتی است که در مسئله مهدویت مورد بحث قرار می‌گیرد. طبق آنچه بیان شد، یکی از ویژگی‌های امامت حضرت مهدی<sup>(ع)</sup> این است که اراده الهی بر این امر تعلق گرفته تا بخشی از دوران امامت حضرت مهدی<sup>(ع)</sup> را در غیبت باشد و مردم انتظار فرج او را بکشند (ر.ک؛ مجلسی، ۱۹۸۳ م، ج ۵۲: ۱۳۷).

منتظر کسی است که منتظر امر الهی باشد. از این رو، امام انتظار را از بهترین عبادات مؤمن (ر.ک؛ نعمانی، ۱۳۶۳، ج ۴: ۱۵۹) و محبوب‌ترین کارها نزد خداوند می‌داند (ر.ک؛ همان: ۱۵۹). در سیره علوی، استقامت در دین، ایمان قوی و اطمینان داشتن به تحقق وعده‌های الهی، از مهم‌ترین ویژگی‌های منتظران است که مورد تأیید و مرحمت حضرت حق قرار گرفته (ر.ک؛ ابن بابویه، ۱۴۱۶ ق، ج ۱: ۵۶۳)، در نزد اهل حق شناخته شده، اما در میان مردم بی‌نام و نشانند. جایگاه و ارزش این افراد چنان رفیع و بلند مرتبه است که امام آنان را در کنار خود جای می‌دهد (ر.ک؛ همان: ۵۶۳-۵۶۴) و می‌فرماید: «آگاه باشید آنان که پدر و مادرم فدایشان باد» (ر.ک؛ شریف الرضی، ۱۳۸۱: ۳۶۹) از جمله دلایلی که سبب می‌شود این افراد از بهترین مقامات و پاداش‌ها برخوردار باشند، آن است که آن‌ها از امامی پیروی و اطاعت می‌کنند که آن را نمی‌بینند و نمی‌یابند (ر.ک؛ ابن بابویه، ۱۴۱۶ ق، ج ۱: ۵۶۳).

لازمه انتظار ایمانی، اعتراف به ولایت و ربوبیت خداوند باری تعالی و تلاش برای دست یافتن به مرتبه عبودیت و اطاعت است. امام علی<sup>(ع)</sup> برخی از مختصات و ملزومات انتظار را که برای انسان منتظر اختصاص یافته، این گونه بیان می‌کند: «در غیبت قائم، ثابت در دین باشند و به سبب طولانی شدن زمان غیبت امام خود دچار قساوت قلب نشوند» (ر.ک؛ همان: ۵۶۳-۵۶۴) و مباشر روح‌الیقین هستند. آنان کسانی هستند که خداوند پیمان

ولایت ما را از آنان گرفته است و ایمان را در قلوب آنان نگاه داشته، به واسطه روحی از جانب خود مؤید داشته است (ر.ک؛ همان، ج ۱: ۵۶۴-۵۶۵) این گروه کسانی هستند که در آسمان‌ها معروف و در زمین گمنام می‌باشند (ر.ک؛ شریف الرضی، ۱۳۸۱: ۳۶۹).

با این توصیف، باید گفت انسان امروزی دچار چالش‌های عمده‌ای است که نه تنها او را در ردیف منتظران واقعی قرار نمی‌دهد، که چه بسا در مواجهه با جهان آینده دچار تعارضات و تنش‌هایی شود. راهبرد علی<sup>(ع)</sup> برای دوری از فتنه‌ها و تقویت فرهنگ انتظار در جامعه از تقویت و اصلاح اعتقادات و نگرش دینی آغاز و در درک مسائل و واکنش نسبت به آن‌ها ادامه می‌یابد. توجه به این مهم نقش مهمی در اصلاح امور فردی و تقویت دینداری و مواجهه با مسائل پیرامون دارد. بر این اساس، لازمه دستیابی به سلامت معنوی و عبور از گذرگاه عصر غیبت که با استفاده از کلام علی<sup>(ع)</sup> دریافت می‌گردد، می‌توان در موارد زیر اشاره کرد:

#### – اعتقاد به رابطه میان غیبت و فرج با اراده الهی

انتظار و باور داشتن به گشایش امور نتیجه نگرش توحیدی است (ر.ک؛ ر.ک؛ مجلسی، ۱۹۸۳م، ج ۵۲: ۱۳۷). آن حضرت در شعری فرمود: «بني إذا جاشت التُّرك فانتظر...» (شوقی، ۱۳۸۳: ۱۱۱).

#### – بصیرت همراه با پرهیز از شتابزگی

امام علی<sup>(ع)</sup> می‌فرماید: «چه بسا کسی برای رسیدن به چیزی شتاب می‌کند، اما وقتی به آن رسید، دوست دارد که ای کاش آن را نمی‌دید...» (شریف الرضی، ۱۳۸۱: ۲۷۵ به بعد).

### – امیدواری به آینده

در این زمینه، امام با استفاده از تعالیم و حیانی، مثلاً آیه ﴿وَلَقَدْ كَانَ فِي الزُّبُورِ...﴾ و نیز ﴿وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ...﴾ منتظران را به صبر و امیدواری توصیه نموده‌است؛ چنان‌که می‌فرماید پس از اینکه به حدّ اعلای سرکشی رسید، به اهل حق روی می‌آورد و این امر را به شتر ماده بدخویی تعبیر می‌کند که بالأخره به سوی فرزندش می‌آید (ر.ک؛ همان و مجلسی، بی‌تا: ۱۰۰۸). در حقیقت، آینده در نظر امام نویدبخش و هدف‌دار است و وقوع آن امری حتمی خواهد بود. داشتن این نگرش سبب برنامه‌ریزی انسان‌ها و جوامع برای اتصال با دورانی می‌شود که تمام آرزوهای آن را تحقق می‌دهد.

### – دوری از فتنه‌ها و هلاکات

امام مردم را از قرار گرفتن در مهلکه‌های آخرالزمان بر حذر داشته‌است و به آن‌ها توصیه می‌کند تا راه فراری پیدا کنند و خود را در سایه عدل الهی قرار دهند (ر.ک؛ مجلسی، بی‌تا: ۱۰۰۸).

### – خودسازی و تهذیب نفس (همان)

#### – تبعیت و اطاعت از ولی الهی

امام رمز رستگاری و پیروزی در عصر غیبت را تبعیت و اطاعت از ولی الهی می‌داند و می‌فرماید: «بدانید آن کس که فتنه‌های آینده را دریابد، با چراغی روشن در آن گام می‌نهد و با برهان سیره و روش پیامبر و امامان رفتار می‌کند» (شریف الرضی، ۱۳۸۱: ۲۷۵ به بعد).

## ۷. تحقق وعده‌های الهی در ظهور حضرت مهدی<sup>(ع)</sup>

یکی دیگر از مباحث مهم در سیرت علمی علی<sup>(ع)</sup> نسبت به مسئله مهدویت، اصل جدی ظهور است. تصریح شده که غیبت و ظهور از سنت‌های حتمی و مطابق با مشیت الهی است (ر.ک؛ مجلسی، ۱۹۸۳م، ج ۵۲: ۱۳۷). اثبات و ضرورت این مقوله، به‌ویژه با نگاه توحیدی و آموزه‌های وحیانی که در آن به حکمت الهی، تحقق وعده‌های خداوند، پیروزی نهایی حق بر باطل و دیگر سنت‌های الهی و بدیهیات عقلی قابل اسناد است (ر.ک؛ شریف‌الرضی، ۱۳۸۱: ۲۷۵ به بعد).

نگاه مبتنی بر اندیشه دینی و فلسفه الهی حاکم بر این دیدگاه بیانگر آن است که آنچه از طریق نصوص وارده از اهل بیت<sup>(ع)</sup> و آموزه‌های وحیانی به ما رسیده است. برای درک حقیقت عالم و شرایط پیش روی بشر، امری واقعی، حقیقی و مبتنی بر نظام تکوین و تشریح است و با فلسفه خلقت و حیات و نیز اندیشه توحیدی هم‌سوئی دارد. این مقاله ضمن بیان مواردی از اخبار وارده از امام علی<sup>(ع)</sup>، به دنبال آن است تا نگاه سطحی مبتنی بر تفکر ضالّه فرقه‌های انحرافی درون مذهبی و الحادی غیردینی مثل بهائیت را که با جلوه دادن تاریخی-تجربی مسئله مهدویت و منحرف کردن این اندیشه ناب، درصدد تأمین مطامع فردی و به فساد کشیدن اقشار مختلف جامعه هستند، به چالش بکشد و مدعی است جامعیت اندیشه دینی مبتنی بر آموزه‌های وحیانی و نصوص وارده از پیشوایان معصوم، صراط مستقیم دستیابی به کمال و سعادت است و سردرگمی و اعوجاج در مسیر حرکت انسان دیندار و معتقد به ولایت مطلقه الهی معنی ندارد. آنچه از اخبار امام علی<sup>(ع)</sup> در باب مسئله ظهور و مختصات آن به دست آمده، بدین شرح است:

### الف) علائم و شرایط ظهور

مسئله ظهور مثل هر پدیده دیگری نیازمند شروط و مقدماتی است که در آموزه‌های اسلامی آمده است. برخی از این علائم که امام به آن اشاره کرده است، عبارتند از:

## ۱. آمادگی جهان

صیوریت عالم به سوی کمال است. همه ادیان توحیدی و غیر آن به این مقوله تصریح کرده‌اند و به آن اعتقاد دارند. بدیهی است این موضوع در اسلام در قالب مسئله مهدویت اثبات پذیر است.

توجه به سیر کلی تاریخ حیات بشری بیانگر آن است که رو به جلو حرکت می‌کند و علی‌رغم چالش‌ها و تنش‌هایی که با خود و پیرامونش دارد، اما در جستجوی یک منجی است و او را عامل رهایی و نجات خود می‌داند. استاد شهید مطهری در این زمینه می‌نویسد:

«مسئله ظهور حضرت همانند مراحل رسیدن یک میوه است؛ به این معنا که اگر می‌بینند حضرت تاکنون ظهور نکرده‌اند، نه فقط به سبب این است که گناه کم شده، بلکه هنوز دنیا به مرحله‌ای از قابلیت نرسیده‌است. منظور از قابلیت، به عنوان مثال عدم تکمیل تعداد یاران امام زمان است. در حقیقت، زمان باید جلوتر از این هم بروند و فاسدتر از این هم بشوند. از سوی دیگر، آن‌هایی که قصد اتصال به حکومت حضرت مهدی را دارند، روی کار آیند، ولی حضور مردان چنین لایقی به دنیا نیامده‌است» (مطهری، ۱۳۶۷: ۲۹۵-۲۹۶).

این کمال در کل کائنات وجود دارد و آسمان و زمین که وابسته اراده مطلق خداوند است، برای استقرار واسطه فیض الهی و بقیة الله الأعظم، قانون اعلی را به اجرا درمی‌آورند (ر.ک؛ فیض کاشانی، ۱۳۹۳ق: ۱۴۷). امام علی<sup>(ع)</sup> می‌فرماید: «قائم قیام نمی‌کند تا اینکه چشم دنیا شکافته شود و سرخی در آسمان پدید آید و آن اشک‌های حاملان عرش است که به مردم روی زمین می‌گریند» (ر.ک؛ مجلسی، بی‌تا: ۱۰۰۱-۱۰۰۶ و ۱۰۵۱).

## ۲. افزایش جنگ و خونریزی

برخی تغییرزندگی، رشد شهرنشینی، دسترسی آسان به منابع، امکانات و پیشرفت‌های علمی عصر حاضر را دلیل بر تحقق همان آینده مورد انتظار بشر می‌دانند، اما واقعیت این



است که این تحرک نه تنها در بسیاری از موارد با چالش‌ها و نقدهایی روبه‌رو است که از جهات بسیار انسان و انسانیت را در معرض تهدید قرار داده‌است و او را به سوی نابسامانی‌ها و پریشانی‌ها رهنمون ساخته (ر.ک؛ همان)، نمادهای کهن بُت‌پرستی، جاهلیت و خودپرستی بشری در قالب‌های دیگری چون مدرنیته، اومانیزم، شهوت‌پرستی تبلور یافته‌است و بشر امروزی سرگردان و بی‌هدف در بند خودخواهی‌ها و هواهای نفسانی خود غوطه‌ور است. امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup> می‌فرماید: «در آن موقع، هرج و مرج و شرارت روی می‌دهد. این‌ها علامت گشایش است». نیز فرمود: «مهدی<sup>(ع)</sup> ظهور نمی‌کند، مگر بعد از آنکه یک‌سوم مردم کشته شدند و یک‌سوم بمیرند و یک‌سوم دیگر باقی بمانند» (ر.ک؛ متقی الهمدی، ۱۴۰۱ق.؛ ۳۹۶۶۵؛ ح ۱۲۴۹ و مجلسی، بی‌تا: ۱۰۰۹).

### ۳. مسئله دجال

مسئله دجال بخشی از اخبار مهدویت را به خود اختصاص داده‌است.<sup>۴</sup> از این رو، شناخت دجال و چگونگی مواجهه با آن از اهمیت اساسی برخوردار است. امام علی<sup>(ع)</sup> فرمود: «شقی کسی است که ادعای او را تصدیق کند و سعادت‌مند کسی است که او را تکذیب کند» (ر.ک؛ مجلسی، بی‌تا: ۹۶۲-۹۶۳). اصیغ بن نباته از علی<sup>(ع)</sup> نقل می‌کند که نام اصلی «دجال»، صائد بن صیاد است. همچنین، وی اخباری از آن حضرت در باب ویژگی‌های ظاهری دجال و شیوه‌هایی که او مردم را فریب می‌دهد، نقل کرده‌است (ر.ک؛ همان) در همین زمینه، از وجود علی<sup>(ع)</sup> روایت شده‌است که می‌فرماید دجال پس از ظهور، در روز جمعه به دست آن حضرت به هلاکت می‌رسد (ر.ک؛ شریف الرضی، ۱۳۸۱: ۶۷۲-۶۷۳).

### ۴. صیحه آسمانی

یکی از علائم ظهور که در نصوص دینی به آن اشاره شده، مسئله صیحه آسمانی است. از امام علی<sup>(ع)</sup> منقول است که فرمود: «هرگاه آواز دهنده‌ای از آسمان آواز برآورد

که همانا حق در میان خاندان محمد<sup>(ص)</sup> است و در آن هنگام مهدی بر سر زبان‌های مردم درمی‌افتد و جام محبت او را سر می‌کشند و جز با دو نام او را بر زبان‌ها ندارند» (ر.ک؛ متقی الهندی، ۱۴۰۱ق.؛ ۳۹۶۶۵؛ ح ۱۲۳۱). از کلام امام در این زمینه استنباط می‌شود که: الف) وقوع هر کدام از این علائم، اعم از اینکه حتمی‌الوقوع باشد یا ممکن به تناسب اهمیت آن در مسئله ظهور و فراهم شدن اسباب و علل آن بستگی دارد. ب) نشانه‌های ظهور در تمام کائنات اتفاق می‌افتد و همگان به نوعی در فراهم آوردن زمینه‌های ظهور نقش دارند. ج) بیان این علائم به معنای آن نیست که الزاماً متصل به یکدیگر نیستند؛ چنان که می‌فرماید: «مابین هر علامت تا علامتی دیگری تعجب آور است». د) آنچه انتظار می‌رود اینکه: «کلمه اخلاص که دلیل یگانگی خداست، کامل می‌شود (ر.ک؛ مجلسی، بی تا: ۱۰۵۱) و نور خدا در زمین ظهور می‌کند»<sup>۵</sup>. ه) نکته بسیار مهمی که در این روایات حائز توجه و اهمیت است، اشاره نکردن امام به زمان ظهور است. همین امر الهی می‌تواند دلیل اثبات این مدعا باشد که غیبت حضرت یک امتحان برای غربال کردن انسان‌ها و فراهم آوردن حکومت مطلقه الهی روی زمین است.

## ۵. مشیت و امداد الهی در ظهور

حضرت قائم<sup>(ع)</sup> پس از غیبت طولانی و به خواست الهی ظهور می‌کند (ر.ک؛ ابن بابویه، ۱۴۱۶ق.، ج ۱: ۵۶۳-۵۶۵) و حاکمیت مطلق الهی ایجاد و وعده‌های حضرت حق محقق می‌شود (ر.ک؛ شریف الرضی، ۱۳۸۱: ۱۸۵-۱۸۶). بررسی این مسئله و سیره امام در این دوران بیانگر فلسفه مهدویت و تجسم عینی افقی است که در آرمان‌های بشری و تعالیم وحیانی به آن وعده داده شده است. مختصات و ملزومات این توفیق عبارتند از:

### – تعلق ویژه امدادهای الهی

مشیت الهی در ظهور بر این است که حق پیروز شود و باطل محو گردد. از این رو، اراده و رحمت الهی بر این قرار گرفته تا همه چیز در ید قدرت ولی او قرار گیرد. امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup> می‌فرماید: «پس خداوند هر چه بخواهد کند که او را غایات و نهایتی است» (ابن بابویه، ۱۴۱۶ق.، ج ۱: ۵۳۸). نزول فرشتگان، وجود یاران مؤمن، رجعت صالحان (ر.ک؛ مجلسی، ۱۹۸۳م.، ج ۵۲: ۲۴۸؛ ح ۱۲۹) و منطق امام با مخالفان از جمله عنایات خداوند به بقیة الله است. امام علی در این زمینه می‌فرماید: «زره حکمت را پوشید و آن را با همه آداب و شرایط آن فراگرفت» (متقی الهمدی، ۱۴۰۱ق.؛ ح ۳۴۲۰۸؛ ج ۱۱۶۷). بر این اساس، امام با پشتوانه‌ای از این قدرت لایزال از ابزار سلاح، حکمت، نیروهای انسانی و غیره استفاده می‌کند. این چنین خداوند بندگان خود را پیروز و سعادت‌مند می‌گرداند.

### – عدم اختصاص تقیه برای امام مهدی<sup>(عج)</sup>

امام علی<sup>(ع)</sup> یکی از مختصات ویژه امام مهدی را این مسئله می‌داند که بیعت احدی بر گردن ایشان نیست (ر.ک؛ ابن بابویه، ۱۴۱۶ق.، ج ۱: ۵۶۲-۵۶۴). البته این امر در زمره تفاوت عمده ایشان با امامان دیگر<sup>(ع)</sup> هم می‌باشد؛ چرا که سایر امامان با توجه به مقتضیات زمان و موانعی که برای اجرای کامل دین وجود داشت، مجبور به تقیه بودند، ولی این مسئله درباره حضرت قائم که آخرین امام و ذخیره الهی و مجری عدالت الهی است، وجود ندارد. لذا به اراده الهی تمام موانع برداشته می‌شود (ر.ک؛ مجلسی، ۱۹۸۳م.، ج ۵۲: ۱۳۷).

### ۶. یاران و کارگزاران مهدی<sup>(ع)</sup>

یکی از اسباب توفیق امام وجود کارگزاران، یاران صدیق و کسانی است که خداوند بذریع ایمان را در قلب‌هایشان قرار داده است (همان؛ ح ۱۲۹). کسانی که امام در مورد

ایشان فرمود: «آه! آه! چه سخت اشتیاق دیدارشان را دارم» (شریف الرضی، ۱۳۸۱: ۶۶۰-۶۶۱ و ابن بابویه، ۱۴۱۶ق.، ۱: ۵۳۹ به بعد). برخی از خصوصیات این گروه که امام علی<sup>(ع)</sup> بر آن تأکید کرده‌است، عبارتند از:

- «شایسته‌ترین و بهترین مردمان هستند»<sup>۶</sup>.

- «دارای ویژگی‌های رهبران الهی هستند» (شریف الرضی ۱۳۸۱: ۶۶۰-۶۶۱ و ابن بابویه، ۱۴۱۶ق.، ج ۱: ۵۳۹ به بعد).

- «نور حقیقت و حکمت و یقین بر قلب آنان تابیده‌است. امام در توصیف این افراد می‌فرماید: «دیده‌هاشان با قرآن روشنایی می‌گیرد، در گوش‌هایشان تفسیر قرآن طنین می‌افکند و صبحگاهان و شامگاهان جام‌های حکمت را درمی‌کشند» (شریف الرضی، ۱۳۸۱: ۲۷۵ به بعد).

- «اهل زهد و قناعت هستند و زندگی را بر خود سخت نمی‌گیرند».

- «با حقیقت انس گرفته، وجودشان با با عوالم بالا پیوند خورده‌است».

- «عاملان خداوند در زمین و دعوت‌کنندگان به دین خدا هستند» (همان: ۶۶۰-۶۶۱ و ابن بابویه، ۱۴۱۶ق.، ج ۱: ۵۳۹ به بعد).

- «یاری‌کنندگان ولی الهی هستند» (مجلسی، ۱۹۸۳م.، ج ۵۲: ۸۹۳).

- «مورد رحمت و مدد الهی قرار می‌گیرند، گروهی که برای کشتن آن‌ها خون‌بها پرداخت نمی‌شود، زخمی شدنشان نیاز به مداوا ندارد و بر خاک افتادنشان تابوت نهاده نمی‌شود» (متقی الهندی، ۱۴۰۱ق.:: ۳۴۲۰۸؛ ح ۱۱۸۸).

- «اهل استقامت و اراده قوی هستند: امام می‌فرماید: پس گروهی برای درهم کوبیدن فتنه‌ها آگاه می‌گردند و چون شمشیرها صیقل می‌خورند» (شریف الرضی، ۱۳۸۱: ۲۷۵ به بعد).

- «برگزیدگان منتظران هستند» (همان).

- «تعدادشان بسیار اندک است: در این راستا امام می‌فرماید: آنگاه که خطیب به هلاکت درافتد... مؤمنان باقی می‌مانند که شمارشان اندک است؛ سیصد نفر یا بیشتر» (مجلسی، ۱۹۸۳م، ج ۵۲: ۱۳۷ و همان، ج ۲۰: ۱۱۱).

- «از مؤمنانی هستند که مدت‌ها قبل وفات یافته‌اند: در رکاب این مؤمنان دسته‌ای می‌جنگند که روز بدر در کنار پیامبر خدا جنگیدند و کشته شدند و نمردند» (همان).

- «منتقم اهل بیت<sup>(ع)</sup> هستند: امام در این زمینه می‌فرماید: «سوگند به آنکه جان علی در دست اوست، هیچ دسته‌ای برای گرفتن حق من یا جز من برای دفع ستم از ما تعظیم نمی‌کند، مگر آنکه مصیبت آنان را از پای درآورد، تا آنگاه که دسته‌ای که با محمد<sup>(ص)</sup> در بدر بودند، قیام کنند» (متقی الهمدی، ۱۴۰۱ق.؛ ۳۴۲۰۸؛ ح ۱۱۸۸).

با تکمیل فرایند علائم و شرایط ظهور، تعداد یاران امام نیز به حد نصاب می‌رسد. بر این اساس، یاران حضرت از نظر اعتبار و جایگاه در دو دسته قرار می‌گیرند. برخی در زمره فرماندهان و کارگزاران برجسته و گروهی که زیر امرای ایشان قرار می‌گیرند. این افراد اعم از این است که همزمان با ظهور امام در قید حیات باشند، یا پیش از این در زمره منتظران عصر غیبت یا از برجستگان مؤمنان دوران انبیاء و اوصیاء باشند، در این رده قرار دارند. به نظر می‌رسد تأکید امام بر یوم‌الله بدر به این سبب است که این حادثه نخستین تقابل جدی و نظامی تمام اسلام با تمام کفر بود. همان طور که در زمان ظهور، تمام حق در مقابل تمام باطل می‌ایستد. البته شباهت‌های دیگری هم میان این دو وجود دارد که علاقه‌مندان می‌توانند به آثار مهمی که در این زمینه وجود دارد، مراجعه نمایند.

## ۷. الگوی جهانی حکومت حضرت مهدی<sup>(عج)</sup>

امیرالمؤمنین در ارتباط با حاکمیت حضرت قائم می‌فرماید: «آگاه باشید که فردایی که شما را از آن هیچ‌شناختی نیست، زمامداری حاکمیت پیدا می‌کند که غیر از خاندان حکومتی امروزی است. عمال و کارگزاران حکومت را بر اعمال بدشان کیفر خواهد کرد. او روش عادلانه در حکومت حق را به شما می‌نماید و کتاب خدا و سنت پیامبر را که تا

آن روز متروک مانده، احیاء می‌کند» (شریف الرضی، ۱۳۸۱: ۲۷۵). او خواسته‌ها را تابع وحی می‌کند. آن هنگام که مردم تابع هوس‌های خویش قرار دارند و با تفسیرهای غلط خود را بر قرآن تحمیل کرده‌اند می‌کنند. او نظرات و اندیشه‌ها را تابع قرآن می‌سازد (ر.ک؛ همان).

شهر کوفه مرکز حکومت امام مهدی<sup>(ع)</sup> است. امیرالمؤمنین در این زمینه می‌فرماید:

«آنگاه قائم به کوفه می‌آید و آنجا جایگاه او خواهد بود. او و خانواده‌اش در رجه سکونت می‌ورزند. رجه قبلاً مسکن حضرت نوح در زمینی پاک بوده است. محل سکونت و شهادت فرزندان پیغمبر همیشه زمین‌های پاکیزه بوده است؛ زیرا آن‌ها جانشینان پاک‌سرشت پیغمبرند» (مجلسی، بی‌تا: ۱۰۰۴).

امام علی<sup>(ع)</sup> بر جایگاه و نقش کوفه در تعلیم و تربیت مردم و محوریت تعالیم و حیانی در حکومت مهدی<sup>(ع)</sup> تصریح نموده است و می‌فرماید: «مثل این است که می‌بینم شیعیان ما در مسجد کوفه خیمه‌ها بر پا نموده است و به مردم قرآن را همان طور که نازل شده است، تعلیم می‌دهند» (شریف الرضی، ۱۳۸۱: ۶۸۶). از دیگر مقولات مورد توجه در این مقال بیان شده، پیامدهای تشکیل حکومت جهانی الهی، مهدوی و سیرت اصلاحی ایشان است که امام علی<sup>(ع)</sup> به آن‌ها اشاراتی دارند که عبارت است از:

### - اقبال عمومی

علی<sup>(ع)</sup> فرمود: «استقبال و گرایش مردم به امام همچون ابر پاییزی است» (همان).

### - کمال علم و کشف حقایق

امام نوید این حقیقت را به کمیل داده است؛ آنجا که فرمود: «کمیل هیچ علمی نیست، مگر آنکه من گشاینده آن هستم و هیچ رازی نیست، مگر آنکه حضرت قائم<sup>(ع)</sup> پرده بردارنده آن می‌باشد» (مجلسی، ۱۹۸۳ م، ج ۵۲: ۲۵۷).

### – تحقق امت واحده

امام علی (ع) می فرماید: «گره‌ها را می‌گشاید و بردگان و ملت‌های اسیر را آزاد می‌کند. جمعیت‌های گمراه، ستمگر و پراکنده را جمع‌آوری می‌کند» (شریف الرضی، ۱۳۸۱: ۲۷۵ به بعد).

### – محوریت قرآن و شریعت

امام در این زمینه می‌فرماید: «خواهش نفسانی را بازمی‌گرداند، آن هنگامی که هدایت را تابع هوی ساخته‌اند. رأی آنان را پیرو قرآن می‌گرداند، آنگاه که قرآن را تابع رأی خود کرده باشند» (مجلسی، بی‌تا: ۱۰۰۴ و نعمانی، ۱۳۶۳: ۴۱۱-۴۲۶).

### – دفاع از مظلومان

این همان تحقق وعده الهی و آرمان بشری است؛ چنان‌که خداوند باری تعالی فرمود:

﴿وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾  
(القصص / ۵).

امیرالمؤمنین می‌فرماید:

«هر جا مسلمانان را به بردگی فروخته باشند، قائم او را می‌خرد و آزاد می‌کند و هر جا وام‌داری باشد، قرض او را می‌دهد و هر کس مظلومه‌ای بر گردن داشته باشد، آن را رد می‌کند. اگر یک نفر از آن‌ها کشته شود، دیه او را گرفته، به ولی او می‌دهد. اگر مقتولی قرض داشته باشد، قرض او را می‌پردازد و به کسان او کمک می‌کند تا جایی که زمین پُر از عدل و داد می‌شود و چنان‌که پُر از ظلم و ستم و تجاوز شده باشد همان. همچنین، فرمود: «لَا تَذْهَبِ الدُّنْيَا حَتَّى يَقُومَ عَلَيَّ أُمَّتِي رَجُلٌ مِّنْ وَكْدِ الْحُسَيْنِ، يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا» (قندوزی، ۱۳۸۵ق: ۲۵۸ و مجلسی، ۱۹۸۳م، ج ۵۱: ۱۲۰).

### – عدالت‌جویی و مقابله با اهل بغی

یکی از شاخصه‌های سیره حکومتی حضرت، تفکیک حق و باطل از یکدیگر و مقابله با اهل عناد و عصیان است. با توجه با تفاوت مراتب اهل کفر و عصیان شیوه و ابزارهای امام نیز متفاوت خواهد بود. چنانچه اگر گروهی قصد جنگ و صف‌آرایی داشته باشند، امام آن‌ها را با روش نظامی سرکوب و اهل باطل را منکوب می‌کند. از امام علی منقول است که فرمود: «آنان جز با شمشیر سخن نگویند، هشت ماه پر آشوب شمشیر را از دوش خود فرو نمی‌گذارند تا آنجا که گویند به خدا قسم این مرد از نسل فاطمه نیست، اگر از نسل او بود، به ما رحم می‌کرد» (مجلسی، ۱۹۸۳ م، ج ۵۲: ۱۳۷). حضرت قائم در این تقابل، پرچم سرخ و علم سبز خواهد داشت (ر.ک؛ مجلسی، بی‌تا: ۱۰۸-۱۰۶).

یکی از کسانی که امام را در این مسیر همراهی و یاری می‌رساند، دابة‌الأرض است که وظیفه دارد مؤمنان حقیقی را از کافران حقیقی جدا کند (ر.ک؛ همان: ۵۶۶-۵۶۵). وی به نقل از امام، از سمت صنعا می‌آید و انگشتر سلیمان<sup>(ع)</sup> و عصای موسی<sup>(ع)</sup> را با خود دارد (ر.ک؛ همان). در مقابل وی، سفیانی و مردم پست‌نهاد قرار دارند که با دابة‌الأرض هلاک شده، مسکن جباران و جایگاه والیان ستمگر ویران می‌شود (ر.ک؛ همان: ۱۰۸-۱۰۴).

### – کمال هستی

با توجه به پیوستگی، همبستگی و هماهنگی کائنات زمانی که سیوررت عالم بر محور حق باشد، برکات و رحمت الهی در راستای کمال انسان و بهره‌مندی همه‌جانبه از هستی خواهد بود. حرکت بر محور جهان‌بینی توحیدی، مدیریت الهی امام و آمادگی جهان و اقبال عمومی انسان دست‌به‌دست هم داده تا آرمان‌های الهی به نحوی وسیع، جامع و فراگیر تجسم یابد و روابط انسان با خداوند (طولی) و طبیعت و هم‌نوعان خود (عرضی) به نحو متعادل، متوازن و رو به رشد تنظیم گردد. عدالت، عطف، هم‌زیستی مسالمت‌آمیز، عمران و آبادانی، عدالت و پیشرفت، امنیت و سلامت، رونق معیشت و



عدالت اجتماعی همگی بر مدار عبودیت در حرکت است. امام علی<sup>(ع)</sup> در این زمینه می‌فرماید:

«آسمان نزولات خود را فرومی‌ریزد، زمین گیاهانش را می‌رویاند، دشمنی از دل بندگان رخت برمی‌بندد، درندگان و چرندگان در کنار هم به سر می‌برند، زنان زیور بر سر، عراق تا شام را می‌پیمایند و جز با علف و سبزه گام نمی‌نهند و هیچ درنده‌ای آنان را آشفته و هراسان نمی‌کند. زمین کلیدهای خویش را تسلیم می‌کند» (شریف الرضی، ۱۳۸۱: ۲۵۷).

همچنین، فرمود: «و نَعْمَرُ الْأَرْضَ وَ تَصْفَىءَ وَ تَزْهَوُ بِمَهْدِيهَا وَ تَجْرِي بِهَ الْأَنْهَارِهَا وَ تَعْدَمُ الْفِتْنَ وَ الْغَارَاتِ وَ يَكْثُرُ الْخَيْرُ وَ الْبَرَكَاتِ» (قندوزی، ۱۳۸۵ق: ۴۶۷). این همه تنها بر اساس مشیت، قدرت و حکمت خداوند خواهد بود.

برکات حکومت جهانی حضرت مهدی<sup>(عج)</sup> غیر قابل احصاء و توصیف است و به عنوانی علمی الهی در اختیار خلیفه الهی و وصی امام قرار می‌گیرد. لذا امام در جواب عبدالله بن حارث که از حضرت دربارهٔ حوادث بعد از ظهور قائم<sup>(عج)</sup> پرسیده بود، فرمود: «سخن گفتن از این موضوع به خود او وا گذاشته شده است و پیامبر خدا به من سفارش کرد که در این زمینه با کسی جز حسن و حسین چیزی نگویم»<sup>۷</sup>.

### نتیجه‌گیری

- در اخبار وارده از امام علی<sup>(ع)</sup>، وجود امام مدار حرکت هستی است و تا زمانی که انسان در این دنیا زندگی می‌کند، امامت مستدام خواهد بود. از نظر امام، این اراده و سنت الهی است و وجود مهدی<sup>(عج)</sup> لطف خداوند بر بندگان و امری حتمی، فرازمانی و فرامکانی و مسیر تقرب به حق و کمال است. برخی از مهم‌ترین مباحث در فلسفه مهدویت از نظر امام علی<sup>(ع)</sup> عبارتند از: واسطه فیض الهی، نزول نعمات، دفع نقمات، کمال و هدایت هستی، سنت الهی و تحقق وعده‌های الهی و فلسفه خلقت و حیات.

- امام علی<sup>(ع)</sup> در قالب مسئله مهدویت، ارکان اصلی اندیشه توحیدی را تبیین نموده است و با بیان ویژگی‌های حضرت مهدی<sup>(عج)</sup> و شئون ایشان، اهل بیت<sup>(ع)</sup> و خاصه خود را به مردم معرفی می‌کند و چشم‌اندازی روشن از اندیشه و آرمان‌های خود ارائه می‌دهد که بر اساس آن می‌توان سیمای مهدویت را شناخت و الگو گرفت.

- آن حضرت با تبیین جایگاه امامت به نقد اوضاع جامعه پرداخته، با ترسیم عظمت الهی، مقام امامت و اختصاص آن در خاندان رسول‌الله<sup>(ص)</sup>، علت بسیاری از مشکلات و پیشامدهای اجتماعی را تجاوز از حدود الهی - که مهم‌ترین و رأس آن، ولایت است - می‌داند.

- در روایات منسوب به امام علی<sup>(ع)</sup>، غیبت و ظهور مانند دیگر اجزای مهدویت با سنت و مشیت الهی ارتباط مستقیمی دارد. لذا غیبت امتحانی الهی و فرصتی برای بیداری بشر و حرکت به سوی کمال است. این زمان به انتظار شهرت یافته است و منتظر کسی است که برای تقرب به حق و سعادت گام برمی‌دارد.

- همین‌طور ظهور در زمره سنت‌های الهی و لطف حضرت حق است تا وعده‌ها محقق شود، موحدان و عدالت‌خواهان مشمول رحمت و اسعه الهی شوند و جباران و ظالمان به سزای اعمال خود برسند، حق بر ملا شود، باطل ذلیل و خوار گردد و هدف از حیات و خلقت محقق شود.

- برخی از مباحث کلیدی که در پرتو اخبار وارده از امام علی<sup>(ع)</sup> به دست می‌آید، عبارتند از: نصب الهی امام، استمرار امامت از نبوت به مهدویت، اختصاص امامت به خاندان رسول‌الله و اتصال آن به انبیای الهی پیشین، معرفی اهل بیت<sup>(ع)</sup> به عنوان خلفا و برگزیدگان الهی و نیز اوصیای برحق رسول‌الله<sup>(ص)</sup>، وظایف و مسئولیت‌هایی که بر عهده امام است و سرانجام، آثار و نتایج بهره‌مندی از این لطف الهی.

- توجه به ابعاد مختلف مقوله مهدویت، طرح مسائل و مشکلات کلان جامعه و راه برون رفت از آن، ضرورت پایبندی به شریعت و بصیرت در مواجهه با فتنه، ترسیم آینده

مورد انتظار، راه های تحقق آن بر اساس الگوی جامعه آرمانی مهدوی، تبیین حقوق مردم نسبت به امام، نقش فعال و تأثیرگذار انسان در این الگوی الهی و جایگاه سیره امام علی<sup>(ع)</sup> در فهم سیره مهدوی از دیگر مباحثی است که از سوی امام، ولی الهی و وصی رسول الله<sup>(ص)</sup> برای آخرین ذخیره حضرت حق، یعنی امام مهدی<sup>(عج)</sup> بیان شده است و هم از جنبه معرفتی و هم کاربردی قابل استفاده و اتمام حجت خدا با بندگان خود از طریق ولی خود است.

### پی نوشت ها

۱- چنان که می فرماید: ﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرُثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾ (الأنبياء / ۱۰۵) و نیز ﴿وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾ (القصص / ۵).

۲- ﴿وَمَا خَلَقْتُ هَذَا بَاطِلًا﴾.

۳- ایشان با استناد به آیه ﴿بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ به سؤال این فرد پاسخ داد و اضافه کرد که این نام مختص وجود امام زمان<sup>(عج)</sup> خواهد بود و کسی قبل و بعد از آن به این نام مسمی نیست و البته کسی که چنین ادعایی بکند، کافر است (ر.ک؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۴۱۱؛ ح ۲). روایات منقول از اهل بیت<sup>(ع)</sup> درباره این مطلب اتفاق دارند که مصداق این آیه امام زمان است.

۴- علامه مجلسی در روایتی منقول از نزال بن سبره درباره سؤال صعصعة بن صوحان از امام درباره دجال آورده که امام فرمود به خدا قسم در این زمینه سائل و مسئول یکسان هستیم. با این حال، امام در ادامه اخباری از علائم پس از آمدن دجال را بیان می کنند (مجلسی، بی تا: ۹۶۲-۹۶۳). بر این اساس، باید گفت علی رغم وجود اخباری دال بر وجود دجال و حالات و اقدامات وی، هنوز بسیاری از موضوعات آن در پرده ای از ابهام قرار دارد.

۵- امام علی<sup>(ع)</sup> فرزند خویش را به نور خدا تشبیه می‌کند (ر.ک؛ فیض کاشانی، ۱۳۹۳ق: ۱۴۷).

۶- آن‌ها بهترین این امت به همراه نیکانم این عترت خواهند بود (ر.ک؛ ابن بابویه، ۱۴۱۶ق، ج ۱: ۵۳۸).

۷- (مجلسی، ج ۶: ۳۵۲؛ ح ۱۲۴۹). مشابه این مضمون با عنوان: «...بعد از دابة‌الأرض و آنچه بعد از آن رخ می‌دهد» از من نپرسید؛ زیرا حییم رسول خدا با من عهد بسته که جز با عترت خود اطلاع ندهم (ر.ک؛ مجلسی، بی تا: ۹۶۴-۹۶۵).

## منابع و مأخذ

### قرآن کریم.

ابن بابویه (صدوق)، محمد بن علی. (۱۴۱۶ق.). *کمال الدین و تمام النعمه*. قم: جامعه مدرسین.

ایرانی، حسن. (۱۳۸۶). *منجی موعود از منظر نهج البلاغه*. چ ۲. قم: مسجد مقدس جمکران.

ایمانی، فقیه. (۱۳۹۳). *مهدویت از دیدگاه نهج البلاغه*. قم: سازمان تبلیغات اسلامی.

بحرانی، میثم بن علی. (۳۶۲). *شرح نهج البلاغه*. بی جا: دفتر نشر کتاب.

تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد. (۱۴۱۰ق.). *نور الحکم و درر الکلم*. تحقیق سید مهدی رجائی. چ ۲. قم: دارالکتاب اسلامی.

حرّ عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۱۴ق.). *وسائل الشیعه*. قم: مؤسسه آل بیت<sup>(ع)</sup>.

حسینی، سید جواد. (۱۳۸۳). «سیمای حضرت مهدی در آئینه نهج البلاغه». *پاسدادر اسلام*. ش ۲۷۴. صص ۱۴-۱۷.

*دیوان منسوب به امام علی<sup>(ع)</sup>*. (۱۳۶۹). چ ۲. قم: انتشارات پیام اسلام.

رشاد، علی اکبر. (۱۳۸۵). *دانشنامه امام علی (ع)*. قم: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و ارشاد اسلامی.

سایت مهدوی:

<https://www.mahdavi.2017>

سید نژاد، صادق. (۱۳۸۶). *چهل حدیث امام مهدی در کلام امیرالمؤمنین*. تهران: گسترش یارانه.

شریف الرضی، محمد بن حسین. (۱۳۸۱). *نهج البلاغه*. ترجمه محمد دشتی. قم: انصاریان. شریعتی، علی. (۱۳۳۷). *امامت در نهج البلاغه*. قم: بعثت.

شوقی، مولانا. (۱۳۸۳). *دیوان اشعار منسوب به حضرت امیرالمؤمنین علی (ع)*. تحقیق مهدی محقق. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

صافی گلپایگانی، لطف الله. (۱۳۷۳ق.). *منتخب الأثر*. بی جا: مکتبه البوذرجمهری.

طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۱۱ق.). *الغیبه*. قم: دارالمعارف الإسلامية.

فروزان مهر، مجید. (۱۳۹۲). «نقش و جایگاه امیر مؤمنان (ع) در تحقق آرمان مهدوی». *پژوهش های نهج البلاغه*. س ۱۰، ش ۳۶. صص ۱۰۵-۱۴۰.

فلسفیان، عبدالمجید. (۱۳۸۴). *علی و پایان تاریخ*. چ ۳. قم: مسجد جمکران.

فیض کاشانی، ملا محسن. (۱۳۹۳ق.). *المحجة البيضاء فی تهذیب الأحياء*. صححه و علق عليه علی اکبر الغفاری. قم: جامعه مدرسین.

قندوزی، سلیمان بن ابراهیم. (۱۳۸۵ق.). *ینابيع المودة*. دارالکتب العراقية - مکتبه المحمدی.

کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق.). *الکافی*. چ ۴. تهران: دارالکتب الإسلامية.

کمپانی، فضل الله. (۱۳۷۸). *منتخب الغرر*. چ ۲. تهران: مفید.

کمساری، عباس. (۱۳۸۱). *سیمای نورانی امام زمان (عج) در قرآن و نهج البلاغه*. قم: سماء. متقی الهندی، علی بن حسام الدین. (۱۴۰۱ق.). *کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال*.

بکری حیانی. بیروت: مؤسسة الرسالة.

مجلسی، محمدباقر. (۱۹۸۳م.). *بحار الأنوار*. چ ۲. بیروت: مؤسسة الرّفّادة.

\_\_\_\_\_ . (بی تا). **مهدی موعود**. ترجمه علی دوانی. تهران: کتابفروشی اسلامیة.  
مطهری، مرتضی. (۱۳۶۷). **سیری در سیره ائمه اطهار**. تهران: صدرا.  
نعمانی، ابن ابی زینب. (۱۳۶۳). **الغیبه**. ترجمه محمدجواد غفاری. بی جا: کتابخانه صدوق.  
نکوهی، رضا. (۲۰۱۷م). «امام مهدی<sup>(عج)</sup> در نهج البلاغه». **نشریه آفتاب ایر**، ۲۰۱۷م.:  
<https://article.tebyan.net/380575>